

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## فهرست مطالب

- ادبیات امنیت انرژی روسیه و راهبردهای آینده  
شهاب‌الدین شکری/ مهدی سنایی ..... ۳
- همگرایی اتحادیه اقتصادی اوراسیا: روندها و پویائی‌ها (۲۰۲۲-۲۰۱۵)  
سمیه مختاری/ سید محمدکاظم سجادیپور ..... ۳۵
- دیرینه‌شناسی رویکرد چین به خلیج فارس: از سفرهای چنگ‌ها تا شی جین‌پینگ  
ابراهیم آقامحمدی/ مرضیه فتاحی ..... ۶۷
- ایران و بریکس: مهاریک‌جانبه‌گرایی در عصر‌گذار  
کامران لطفی ..... ۹۵
- جنگ دوم قره‌باغ و ساختار قدرت در قفقاز جنوبی  
احمد رسولی/ دکتر علیرضا سلطانی ..... ۱۲۵
- دیپلماسی انرژی ترکیه: راهبرد توسعه حزب عدالت و توسعه  
صیاد صدری علی‌بابالو ..... ۱۵۳
- ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا: فرصت‌های مقابله با تحریم‌ها  
محمدصادق غلامی/ بهاره سازمند ..... ۱۷۷
- قدرت هوشمند روسیه و مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین (۲۰۲۴-۲۰۱۲)  
علی اکبرپور آلمه جوقی ..... ۲۰۱
- نظم امنیتی اوراسیا: از ایده تا عمل  
عسگر صفری/ سعیده مرادی‌فر ..... ۲۲۹
- موازنه‌سازی چین در آسیای مرکزی: پیش‌ران‌ها و پس‌ران‌ها  
محسن جمشیدی/ احمد شوهانی ..... ۲۵۹

## جنگ دوم قره‌باغ و ساختار قدرت در قفقاز جنوبی

احمد رسولی<sup>۱</sup>

دکتر علیرضا سلطانی<sup>۲</sup>

### چکیده

جنگ دوم قره‌باغ نقطه عطفی در بازسازی نظم امنیتی قفقاز جنوبی و بازتعریف جایگاه بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای به شمار می‌رود. در چنین شرایط مفهومی، نقش‌آفرینی بازیگران این منطقه تابعی از چارچوب هژمونیک<sup>۳</sup> قدرت و نظم تجویزی ناشی از اراده بازیگران غالب است. تغییر در معادلات سستی، نظیر کاهش نفوذ روسیه در ارمنستان و گسترش نقش ترکیه و اسرائیل، به بازتولید منازعه انجامید. نظم نوظهور جدید بر پایه متغیرهایی چون بازتنظیم سیاست خارجی ارمنستان، فرایند گفت‌وگوهای صلح آذربایجان-ارمنستان، جهت‌گیری سیاست خارجی گرجستان و رقابت ژئوپلیتیکی بر سر کریدورها شکل می‌گیرد. این ترتیبات، بازتابی از پویایی رقابت قدرت‌های بزرگ در منطقه است. تعدد بازیگران و پیچیدگی تحولات، پیش‌بینی‌پذیری نتایج را دشوار و کاربست چارچوب‌های روش‌شناختی را محدود کرده است.

### ▪ واژگان کلیدی:

نظم امنیتی منطقه‌ای، قفقاز جنوبی، جنگ دوم قره‌باغ، موازنه قدرت، رقابت ژئوپلیتیکی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترا دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، جمهوری اسلامی ایران. af.az@chmail.ir

<sup>۲</sup> نویسنده مسئول و استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز. تهران جمهوری اسلامی ایران.

Ali.soltani@iauctb.ac.ir

<sup>۳</sup> Hegemonic framework

## مقدمه

خلاً قدرت ناشی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی<sup>۱</sup>، ساختار قدرت در منطقه نوپای قفقاز جنوبی<sup>۲</sup> را با چالش‌های متعددی در گستره سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیکی مواجه ساخت. رقابت‌های سرزمینی توأمان با اختلافات قومی - مذهبی در کنار نبود یک نظم منطقه‌ای مشترک<sup>۳</sup> در طول تمام سال‌های منتهی به ۲۰۲۰ میلادی با نقش آفرینی سایر بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای منجر به بروز جنگ دوم قره‌باغ و آغاز رقابتی جدید در مسیر نیل به یک رژیم مورد تایید هر سه کشور قفقاز جنوبی جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان و حتی سایر بازیگرانی که هریک خود را به نوعی سهمیم در این منطقه می‌دانند گردید. نظم منطقه‌ای قفقاز جنوبی در سال‌های اخیر تحت تاثیر تحولات عمیق و پویایی از جمله جنگ دوم قره‌باغ، شرایط داخلی در گرجستان، روند صلح آذربایجان و ارمنستان و مهم‌تر از همه، تهاجم تمام عیار روسیه به اوکراین قرار گرفته است.

جنگ دوم قره‌باغ تحت‌تأثیر رویکرد جدید هیئت حاکم تازه‌کار ارمنستان و استفاده به-موقع آذربایجان از شرایط جدید منطقه (نارضایتی روسیه از ارمنستان و ایجاد شرایط برای افزایش بازیگری ترکیه) رخ داد و شرایطی را به وجود آورد که هم اکنون شاهد بروز نشانه‌هایی از نوعی جنگ سرد بین روسیه و غرب در این منطقه باشیم. به‌طوری که هم اینک قفقاز جنوبی به‌عنوان کانون مهمی مورد توجه طرفین بوده و روس‌ها تلاش می‌کنند هم‌زمان با مدیریت جنگ اوکراین، توانمندی خود را در منطقه قفقاز جنوبی در رقابت با آمریکا، اتحادیه اروپا و... افزایش داده و به‌گونه‌ای تمام‌عیار تحرکات کشورهای همسایه که گرايشی به غرب داشته‌اند را کاملاً تحت نظر بگیرد. البته هر کدام از این کشورها اهداف خود را تأکید بر بهره‌مندی از منافع اقتصادی و ایفای نقش در جغرافیای ترانزیت منطقه اعلام می‌کنند. اگرچه تمایلات غرب‌گرایانه ارمنستان و تلاش دولتمردان ارمنی برای به‌کارگیری ساختارهای غربی در معادلات منطقه بی‌تأثیر نبوده؛ ولی روند تحولات همچنان حاکی از تداوم حکمرانی کرملین بر ترتیبات سیاسی - امنیتی این منطقه است.

باکو به‌عنوان آخرین تکه از پازل مسکو در قفقاز جنوبی هم‌زمان با روی‌گردانی ایروان از مسکو از یک‌طرف و همچنین ضرورت کنترل جبهه اوکراین از سوی روسیه از طرف دیگر، گوی سبقت توسعه ژئوپلیتیکی خود نسبت به ارمنستان در منطقه را ربوده و موفق به تثبیت

<sup>1</sup>. Soviet Union

<sup>2</sup>. South Caucasus

<sup>3</sup>. Common regional order

سرزمینی خود پس از سه دهه گردیده است. برتری نظامی - سیاسی آذربایجان هم‌زمان با چاشنی تبلیغات گسترده رسانه‌ای، زمینه‌های لازم برای ورود بازیگران نسبتاً زیاد خارجی با مقاصد مختلف امنیتی، اقتصادی و ترانزیتی گردیده است. در آن سوی مرز؛ ارمنستان نیز با عدول از سیاست سنتی خود، عزم خود را برای تعمیق روابط با غرب بر اساس الگوی تنوع‌بخشی به سیاست خارجی نشان داده و خود را به‌عنوان بازاری پرسود برای بازیگران غربی عرضه کرده است. به‌طوری که هم‌اکنون منطقه‌ای با وسعت کم به عرصه‌ای برای رقابت انبوه بازیگران با رویکردهای مختلف تبدیل شده است؛ لذا به نظر می‌رسد بعد از جنگ دوم قره‌باغ نوعی رقابت منفی میان بازیگران حاضر در این منطقه تشدید یافته و همین امر موجب شکل‌گیری نظم جدیدی بر اساس گزاره‌های عمدتاً اقتصادی و ترانزیتی شده است.

تحولات جدید در منطقه قفقاز جنوبی از سال ۱۳۹۹ با تهاجم نظامی گسترده جمهوری آذربایجان شروع شد که هدف غایی در این رقابت بین محور ترکی - آذری و ارمنستان، داشتن سهم بیشتر در تسلط بر منطقه اوراسیا<sup>۱</sup> بود که دارای اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک است. با شروع جنگ اوکراین، سیاست خارجی روسیه در قفقاز جنوبی؛ با یک تغییر پارادایمی<sup>۲</sup> از رویکرد نفوذ سخت به نفوذ نرم تغییر یافت.

مقاله حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی و بهره‌مندی از روش کتابخانه‌ای، گردآوری داده‌ها و مطالعه اسنادی است. این پژوهش باهدف بررسی تبیین ساختار جدید قدرت در قفقاز جنوبی از بعد از جنگ دوم قره‌باغ به این پرسش می‌پردازد که جنگ دوم قره‌باغ چه تأثیری بر ساختار قدرت در منطقه قفقاز جنوبی داشته است؟ که در پاسخ به سؤال این فرضیه مطرح شده است که جنگ دوم قره‌باغ با فعال کردن نقش قدرت‌هایی همچون ایران، ترکیه، فرانسه، روسیه، رژیم صهیونیستی، امریکا، هند و پاکستان و... زمینه ایجاد توازن قدرت در قالب شکل‌گیری رقابت‌های اقتصادی و ترانزیتی شده است.

**پیشینه تحقیق.** محمود اوغلی و سایرین در مقاله "جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰): علل، زمینه‌ها و پیامدها" در مورد پیامدهای جنگ دوم قره‌باغ اظهار داشته است: "این جنگ پیامدهای متفاوت سیاسی، امنیتی و اقتصادی بر منطقه داشته است؛ روسیه از طریق جنگ دوم قره‌باغ توانست نظامیان خود را وارد منطقه نماید و نقش تأثیرگذار روسیه در مدیریت جنگ و توافق صلح را نشان داد که مسکو، همچنان قدرت غالب در قفقاز جنوبی است. پیامد این جنگ بر ترکیه نفوذ بیشتر این کشور بر آذربایجان، تحقق دسترسی به دریای خزر و

<sup>۱</sup>. Eurasia

<sup>۲</sup>. Paradigm shift

تاثیرگذاری بر آسیای مرکزی می‌باشد. نتایج این جنگ برای ایران پیامدهایی مانند افزایش فعالیت‌های رژیم صهیونیستی در منطقه، پیامدهای ناشی از کریدور ارتباطی نخجوان - جمهوری آذربایجان و تهدیدات امنیتی و قومیتی ناشی از جنگ قره باغ بوده است.<sup>۱</sup> در این مقاله صرفاً به ذکر پیامدهای جنگ بر منطقه پرداخته شده و از توجهی به ساختار قدرت و زمینه‌های شکل‌گیری آن نشده است.

رضا پری‌زاد و سید شمس‌الدین شهیدی در مقاله‌ای با عنوان "مناقشه دوم قره‌باغ و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران" در خصوص پیامدهای جنگ دوم قره‌باغ چنین آورده است: "توافق ۲۰۲۰ موجب شد جغرافیای درگیری از مرزها دور شود و اگر جنگ بعدی بین ارمنستان و آذربایجان صورت بپذیرد به احتمال زیاد در قره‌باغ کوهستانی اتفاق می‌افتد که این منطقه از مرزهای ایران فاصله زیادی دارد و از طرف دیگر منافع و اهداف اقتصادی و امنیتی ایران با وجود آرامش در مرزها تأمین می‌شود و برای مصون ماندن از تهدیدات احتمالی در منطقه مورد مناقشه باید صلح و آرامش برقرار باشد. تا قبل از آتش‌بس، امکان فعالیت‌های اقتصادی ایران در سرزمین‌های اشغالی وجود نداشت دستیابی به اراضی هم‌مرز و ارتباط مجدد مرز نسبتاً طولانی، ظرفیت‌هایی را برای گسترش شبکه ریلی ایران به قفقاز و روسیه و بهره‌برداری از سد خدآفرین و حضور شرکت‌های خصوصی ایران در مناطق ویران شده را فراهم کرده است. ایجاد تنگه زنگه‌زور که بر اساس مفاد آتش‌بس، جمهوری آذربایجان را به نخجوان متصل می‌کند مهم‌ترین عامل ژئوپلیتیکی با تأثیر منفی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی است. این دالان از یک طرف باعث کاهش وابستگی ژئوپلیتیکی آذربایجان به ایران و از طرف دیگر گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی ترکیه در قفقاز و خزر می‌شود و در نتیجه تهدیدات گسترده‌ای را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به همراه دارد. ایجاد دالان زنگه‌زور و همچنین بر ظرفیت‌های ژئوپلیتیک انرژی ایران اثر منفی خواهد داشت و سوآپ گاز ایران به نخجوان، فروش گاز ایران به ترکیه و ارمنستان و سوآپ<sup>۱</sup> گاز ترکمنستان به ترکیه از مسیر ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و زمینه را برای اجرای طرح آمریکایی "ترانس خزر" فراهم می‌کند.

**چارچوب نظری.** یکی از چارچوب‌های تجزیه و تحلیل سیاست بین‌الملل، بررسی رفتار دولت‌ها از دیدگاه قدرت است. مورگنتا معتقد است که دولت‌ها در چارچوب قدرت دارای انتخاب‌های سیاسی محدودی هستند که عبارت‌اند از: حفظ وضع موجود، افزایش قدرت،

<sup>۱</sup>. Swap

نمایش قدرت (مورگنتا، ۱۳۸۴: ۴۳-۱۳۵). تقریباً تمامی طرفداران رهیافت واقع‌گرایی<sup>۱</sup> و نوواقع‌گرایی<sup>۲</sup>، از توسیدید<sup>۳</sup> گرفته تا مورگنتا، والتز<sup>۴</sup>، والت<sup>۵</sup>، زکریا<sup>۶</sup>، کیسینجر<sup>۷</sup>، نیبور<sup>۸</sup> و آرون<sup>۹</sup> هرکدام به نوعی باورمندی خود را به اصل موازنه قوا اعلام داشته‌اند و یکی از اصلی‌ترین مکانیسم‌هایی که در مکتب واقع‌گرایی بر آن تأکید می‌شود توازن قدرت در سطح بین‌المللی است که در سال‌های بعد از جنگ سرد به حوزه منطقه‌ای نیز گسترش پیدا کرده است؛ یعنی بین موازنه قدرت در سیاست بین‌الملل و توازن منطقه‌ای رابطه معنی‌داری وجود دارد. نظریه‌پردازانی چون مورگنتا و والتز از جمله کسانی هستند که موضوع موازنه قدرت در سطح بین‌المللی را با فرایندهای توازن منطقه‌ای پیوند زده‌اند (متقی، ۱۳۹۲: ۱۶۶-۱۷۴). چارچوب نظری موازنه قوا، هم برای تشریح دوران تاریخی مبتنی بر توازن قوا ارائه شده است و هم برای توصیه به سیاست‌مداران؛ توصیه برای سیاستی که اساس آن را موازنه قدرت شکل دهد. تحلیل‌گران درباره معنای توازن قوا اتفاق نظر ندارند؛ برخی آن را وضعیت توزیع رضایت‌بخش قدرت می‌دانند (ابوالحسنی، ۱۳۹۳).

عده‌ای اعتقادشان بر آن است که توازن قوا به نظام و سیستمی اشاره دارد که بازیگران اصلی، هویت، تمامیت و استقلال خود را از طریق فرایند ایجاد توازن، تأمین و حفظ می‌کنند. بنا بر تعریف بعضی محققان دیگر، موازنه قدرت، قانون رفتار دولت‌هاست. بدین معنا که آنان در صورت رویارویی با قدرتی متجاوز و برهم‌زننده تعادل، به تأسیس یک ائتلاف متوازن‌کننده مبادرت ورزیده و از ظهور قدرتی مسلط و برتر جلوگیری می‌کنند (دوئرتی؛ فالتزگراف، ۱۹۹۳: ۵۷). مفهوم موازنه قوا، بنا به مقتضیات گوناگون اوضاع بین‌المللی، معانی مختلفی چون توزیع قدرت، تعادل قوا بین دو یا چند قدرت متخاصم، و تفوق نیرو پیدا کرده است. مثلاً ارنست هاس<sup>۱۰</sup> برای مفهوم موازنه قدرت ۸ معنا و مارتین وایت<sup>۹</sup> معنا، و بالاخره کنت والتز<sup>۱۰</sup> معنا در نظر گرفته‌اند. اما در کلیه این مفاهیم گوناگون، نوعی اتفاق نظر نسبت به موجودیت مفهوم قدرت وجود دارد. منظور آن است که در بطن نظریه موازنه قوا این

1. Realism

2. Neorealism

3. Thucydides

4. Kenneth Neal Waltz

5. Stephen Walt

6. Fareed Zakaria

7. Henry Kissinger

8. Carsten Niebuhr

9. Raymond Aron

10. Ernst Haas

فرض نهفته است که همه‌ی روابط بین‌المللی ناشی از منافع ملی است که از طریق قدرت کسب می‌شود (سیف‌زاده، ۱۳۶۷: ۴۹). اما تعاریف ارنست هاس، عبارت‌اند از: ۱. هرگونه توزیع قدرت؛ ۲. نوعی فرایند تعادل یا متوازن‌سازی؛ ۳. استیلا یا طلب استیلا؛ ۴. ثبات و صلح در حالت اتفاق قدرت‌ها؛ ۵. بی‌ثباتی و جنگ؛ ۶. سیاست مبتنی بر قدرت به معنی اعم؛ ۷. نوعی قانون جهان‌شمولی تاریخی و؛ ۸. نوعی نظام و راهنما برای سیاست‌گذاران. به گفته‌ی اینیس‌ال. کلود جونیور<sup>۱</sup> «مشکل توازن قدرت، نداشتن معنا نیست؛ بلکه داشتن معانی بیش از حد است» (دوئرتی؛ فالتزگراف، ۱۹۹۳: ۶۶).

موازنه قدرت، راهبردی است که محققان روابط بین‌الملل به طور عمده برای توصیف سیاست خارجی دولت‌های ضعیف علیه دولت قدرتمند استفاده می‌کنند؛ هرچند دولت‌های قوی نیز برای حفظ برتری خود این استراتژی را بکار می‌گیرند (مورگنتا، ۱۳۸۴: ۲۸۷). مورگنتا در کتاب «سیاست میان ملت‌ها»<sup>۲</sup> بیان می‌کند: «قدرت‌طلبی چند کشور در حوزه‌های منطقه‌ای و جهانی که هریک می‌کوشند وضع موجود را حفظ کنند یا آن را براندازند، لزوماً به تشکلی به نام موازنه قدرت و سیاست‌های معطوف به حفظ آن منتهی می‌شود که اجتناب ناپذیرند و عامل اصلی ثبات در جامعه‌ی دولت‌های حاکم محسوب می‌شوند».

اصولاً فرایند توازن قوا میان دو یا چند کشور به دو طریق قابل ایجاد و تداوم است. یا از طریق «کاهش قدرت کفه سنگین‌تر» و یا «به‌وسیله افزایش قدرت کفه سبک‌تر» و هدف غایی هریک از دو طریق مذکور، برقراری توازن قوا است (طیب، ۱۳۸۰: ۴۶). مهم‌ترین مکانیسم‌های برقراری موازنه قوا عبارت‌اند از: مسلح شدن، ایجاد مناطق حائل، مداخله، اتحاد و ائتلاف، تفرقه بینداز و حکومت کن، مراقبت و هوشیاری دولتمردان، اعطای جبران‌های ارضی پس از هر جنگ، حوزه‌های نفوذ، چانه‌زنی دیپلماتیک، حل و فصل حقوقی و مسالمت‌آمیز اختلافات و جنگ (کیوان حسینی و دانشور، ۱۳۹۲: ۱۵-۱۶).

هرچند نظریه توازن قدرت که ریشه در استراتژی‌های توازن طلبی سخت همچون تجهیز ارتش و تشکیل ائتلاف دارد، چندان مناسب توضیح رفتار قدرت‌های بزرگ فعلی نمی‌باشد اما می‌توان گفت که در دوران پس از جنگ سرد؛ قدرت‌های عمده رده دوم، استراتژی‌های توازن طلبی محدود و غیرمستقیمی را از طریق ائتلاف‌سازی<sup>۳</sup>، مذاکرات دیپلماتیک در نهادهای بین‌المللی و کاهش اتحادهای نظامی رسمی دوجانبه و چندجانبه تعقیب کرده‌اند (Paul, 2005: 58).

<sup>۱</sup>. Claude Jr

<sup>۲</sup>. Politics Among Nations

<sup>۳</sup>. Coalition building

شرایطی چند برای تحقق موازنه قدرت ضروری است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: ۱. بازیگران متعدد سیاسی: حداقل سه و حداکثر پنج قدرت مهم باید وجود داشته باشند تا یک نظام موازنه باثبات ایجاد شود. از آنجا که وجود کشور «موازنه دهنده» از اهمیت برخوردار است، چنین اظهار می‌شود که تعداد بازیگران بهتر است فرد باشد؛ ۲. فقدان یک قدرت مرکزی و مشروع: هیچ قدرت برتر و واحدی که دیگران را تحت سلطه خود قرار دهد، نباید وجود داشته باشد؛ ۳. توزیع نابرابر قدرت: میان بازیگران صحنه سیاست بین‌الملل نباید برابری قدرت وجود داشته باشد. این تفاوت موجب دسته‌بندی دولت‌ها به بزرگ، متوسط و کوچک می‌شود که از نخستین شرایط موازنه قوا محسوب می‌شود؛ ۴. رقابت مستمر اما کنترل‌شده مناقشات میان بازیگران سیاسی حاکم برای کسب ارزش‌ها و منابع کمیاب جهان و؛ ۵. تفاهم میان رهبران قدرت‌های بزرگ درباره‌ی نفع مشترک ناشی از استمرار مکانیسم توزیع قدرت که شامل حفظ ثبات و تأمین امنیت و تداوم صلح است (قوام، ۱۳۷۰: ۶۱).

مورتون کاپلان<sup>۱</sup>، یکی از برجسته‌ترین تئوریسین‌های روابط بین‌الملل، شش قاعده جوهری حاکم بر این نظام را به شرح زیر ارائه نموده است: افزایش توان جنگی کشور به‌منظور مذاکره نه جنگ: پشتوانه معتبر دیپلماسی برای نیل به منافع ملی، توان و قدرت نظامی است. افزایش میزان توانایی‌های نظامی برای بالابردن اعتبار تهدیدات و واقعی جلوه‌دادن امکان توسل به زور است. در این صورت تلاش می‌شود با دیپلماسی و مذاکره مبتنی بر قدرت، به اهداف ترسیم شده در سیاست خارجی نیل آمد؛ بهره‌گیری از جنگ در مواقع ضروری: جنگ‌ها همانند سایر ابزارهای اجرای سیاست خارجی وسیله‌ای است که در سلسله‌مراتب ابزار، در آخرین مرحله قرار دارد. لکن باید کشور همواره آماده جنگ باشد و در صورت لزوم بدان مبادرت ورزد. این قاعده حاکم بر موازنه قوا، اتفاقاً از بروز جنگ جلوگیری می‌کند؛ ادامه جنگ تا تسلیم دشمن و نه نابودی آن: اصل در موازنه قوا، وجود چندین بازیگر است؛ بنابراین در صورت وقوع تجاوز، فقط تا سرحد عقب‌نشینی و تسلیم به خواسته‌های نظام موازنه با او برخورد شود؛ مخالفت جدی با برتری هر یک از اعضا: یکی از بنیادی‌ترین اصول حاکم بر توازن قدرت، اصل جلوگیری از سلطه یک قدرت برتر است. زیرا این امر را عامل اساسی بی‌ثباتی و جنگ تلقی می‌کنند؛ مخالفت با عضویت اعضاء در سازمان‌های مافوق ملی: حاکمیت ملی و منافع ملی دو رکن بازیگران مستقل در نظام موازنه است. از آنجاکه پیوستن به سازمان‌های بین‌المللی از ارزش و اهمیت این دو می‌کاهد با آن

<sup>۱</sup>. Morton Kaplan

مخالفت می‌شود و؛ همکاری با عضو شکست‌خورده: اقتضای تداوم عملکرد نظام موازنه این است که بازیگر شکست‌خورده و عقب‌نشسته از تجاوز خود، دوباره به صحنه بازی وارد شود (دوئرتی؛ فالتزگراف، ۱۹۹۳: ۲۵-۵۴).

### ۱. قفقاز جنوبی

با فروپاشی شوروی و اعلام استقلال سه جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان؛ این منطقه به محلی برای گسترش همه‌جانبه روسیه و بازی با پازل رقابت‌های قومیتی با هدف تکمیل کمربند امنیتی مسکو تبدیل گردید. روسیه که قفقاز جنوبی را حیات خلوت خود می‌داند، با رویکرد حفظ نفوذ و گسترش خود در این منطقه نسبت به تعیین آرایش معادلات سیاسی - امنیتی اقدام نموده است.

موقعیت جغرافیایی قفقاز جنوبی عامل مهمی در تحولات منطقه بوده است و آینده ژئوپلیتیک این منطقه به‌وسیله تحولات بخشی از جهان، مانند جمهوری‌های آسیای مرکزی، اوکراین، بلاروس و مولداوی تعیین می‌شود که سه عامل مهم در کوتاه‌مدت بر ژئوپلیتیک منطقه اثر خواهند گذاشت: اول؛ تلاش فزاینده روسیه برای به‌دست‌آوردن کنترل کامل فضای پسا شوروی<sup>۱</sup> به‌عنوان منطقه حایل در برابر نفوذ غرب. دوم؛ تضعیف مشارکت غرب در منطقه به دلیل تضعیف موقعیت گروه مینسک<sup>۲</sup> در نتیجه جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ و تحولات مربوط به برگزیت<sup>۳</sup>، بحران مهاجرت و نفوذ فزاینده نیروهایی که بزرگ شدن اتحادیه‌ی اروپا<sup>۴</sup> را گزینه‌ی مناسبی نمی‌بینند. سوم؛ پدیدار شدن چین به عنوان قدرت جهانی که با راهبرد قاطع به دنبال توسعه‌ی نفوذ خود در فضای پسا شوروی است (Poghosyan, 2018: 2-3).

**آذربایجان.** نظر به موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان، این کشور در کنار افزایش توان نظامی خود، توأمان سیاست خارجی فعال در منطقه را نیز به‌عنوان یک پیش‌زمینه قوی برای خنثی‌سازی تهدیدات امنیتی حال حاضر پیشه نموده است. آذربایجان منافع خود را در ذی‌نفع کردن قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این منطقه و دریای خزر می‌داند. باکو با هدف جلوگیری از احیای سلطه روس‌ها و ایجاد همسویی با قدرت‌های خارجی در ابعاد اقتصادی، سیاسی و راهبردی، خواهان حضور قدرت فرامنطقه‌ای است.

<sup>۱</sup>. Post-Soviet

<sup>۲</sup>. OSCE Minsk Group

<sup>۳</sup>. به معنی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا

<sup>۴</sup>. European Union

در عین حال آذربایجان به دنبال جلب کمک خارجی، هم از جانب آمریکا و هم ترکیه است تا بتواند یک موازنهٔ قوای کاملاً به‌هم‌خورده در منطقه را احیا کند. باکو، به نوبه خود آماده همکاری همه‌جانبه‌تر با ناتو<sup>۱</sup> بوده و معتقد است که زمانی که زیرساخت‌های صدور نفت توسعه پیدا کند (حکیم، ۱۴۰۳: ۱۶۰).

با همه این تفاسیر؛ آذربایجان با کسب تجربه از حوادث سال ۲۰۰۸ گرجستان، ۲۰۱۴ اوکراین و همچنین جنگ اخیر روسیه و اوکراین؛ خود را در ردیف کشورهای قرار داده که روابط گسترده‌ای با مسکو دارند و علی‌رغم تمامی ارتباطات موجود فی‌ما بین آذربایجان و بازیگران غربی، این جمهوری همچنان بعنوان آخرین مهره‌ی روسیه در منطقه قفقاز جنوبی می‌باشد که تمایلی به عبور از روسیه ندارد. اگرچه در نقض این مسئله شاید بتوان به عضویت آذربایجان در برخی سازمان‌های ضد روسی مانند گوام<sup>۲</sup> و یا خروج از سازمان پیمان امنیت<sup>۳</sup> دسته جمعی اشاره کرد، ولی در عمل بدلیل اجرای سیاست توازن قوا از سوی جمهوری آذربایجان، این کشور در حقیقت با تاکید بر ساختارهای روسی در کوتاه مدت، در حال همکاری با ساختارهای غربی با یک چشم انداز بلند مدت می‌باشد.

**ارمنستان.** ارمنستان کشوری محصور در خشکی است که در جنگ با جمهوری آذربایجان بر سر منطقه قره‌باغ که اندکی پس از استقلال دو کشور روی داد، موجب بسته‌شدن مرز طولانی با جمهوری آذربایجان و ترکیه شد. به این ترتیب، ارمنستان بیشتر توسط همسایگان دشمن یا بدون روابط دوستانه احاطه شده و تنها از راه گرجستان و ایران با دنیای بیرون در ارتباط است. بی‌ثباتی سیاسی گرجستان به دلیل مناطق آبخازیا و اوستیای جنوبی و تنش این کشور با روسیه، به این معنا است که گرجستان نمی‌تواند مسیر حمل‌ونقل قابل اتکایی برای ارمنستان باشد؛ لذا تأثیرهای این امر بر روابط خارجی بالقوه ارمنستان در حوزه اقتصادی قابل چشم‌پوشی نیست (Darbyshire & Weir, 2023). از این‌رو؛ ارمنستان در دنیای قبل از جنگ دوم قره‌باغ، رویکرد روسیه را در راستای تقویت کشورهای مشترک‌المنافع<sup>۴</sup> به اشتراک گذاشته و خود را در ساختارهای روسی جا داده بود. وابستگی اقتصادی، سیاسی و نظامی عمیق ایروان به مسکو موجب عضویت این کشور در اتحادیه اقتصادی اوراسیا<sup>۵</sup> در سال ۲۰۱۵ گردید.

<sup>۱</sup>. North Atlantic Treaty Organization (NATO)

<sup>۲</sup>. GUAM (Organization for Democracy and Economic Development)

<sup>۳</sup>. Security Treaty Organization

<sup>۴</sup>. Commonwealth of Independent States (CIS)

<sup>۵</sup>. Eurasian Economic Union

انقلاب ارمنستان در سال ۲۰۱۸ با روی کار آمدن یک روزنامه نگار منتقد به نام نیکول پاشینیان<sup>۱</sup> همراه بود که با روی گردانی از روسیه به دنبال گشودن صفحات جدید در مقابل این کشور از طریق رویکرد تنوع بخشی در سیاست خارجی بود. البته وابستگی عمیق اقتصادی به روسیه و جهت گیری ژئوپلیتیکی رهبران آن به سمت غرب، این کشور را با چالش های جدیدی از جمله مفاد صلح و ضرورت صرف نظر کردن از موضوع نسل کشی ارمنه<sup>۲</sup> و ایجاد تغییرات بنیادی در قانون اساسی خود مواجه ساخته است.

**گرجستان.** گرجستان یک جمهوری نیمه ریاستی دموکراتیک است که رئیس جمهور به عنوان رئیس دولت و نخست وزیر به عنوان رئیس حکومت و رئیس کابینه وزیران انتخاب می شود. تاکنون این دو منطقه دلیل موجبات بروز تنش در روابط گرجستان و روسیه بوده است: اول، اوستیای جنوبی<sup>۳</sup> مذاکراتی درباره این موضوع با دولت جدایی طلب مورد حمایت روسیه انجام شد که این مذاکرات اخیراً پس از تصمیم روسیه برای تقویت حضور نظامی خود در منطقه و اعطای گذرنامه مسافرتی روسی به ساکنان آن، به هم خورد. دولت گرجستان معتقد است که اقدامات روسیه تلاشی برای الحاق اوستیای جنوبی به سرزمین روسیه است و؛ دوم، دولت گرجستان از نقش روسیه در آبخازیا<sup>۴</sup>، انتقاد می کند. آبخازیا یک جمهوری خودمختار است که به عنوان یک دولت دو فاکتور عمل می کند. این وضعیت از بعد از جنگ آبخازیا در ۱۹۹۲-۱۹۹۳ به وجود آمده است.

گرجستان روابط خوبی با همسایگان مستقیم خود ارمنستان، آذربایجان و ترکیه دارد و فعالانه در سازمان های منطقه ای مانند شورای اقتصادی دریای سیاه و سازمان گوام دارد. گرجستان همچنین روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی با اتحادیه اروپا و اعضای ناتو و سایر کشورها دارد.

دولت گرجستان به جز در مناطق خودمختار آبخازیا و آجارا<sup>۵</sup> و منطقه خودمختار سابق اوستیای جنوبی بسیار متمرکز است. آبخازیا و اوستیای جنوبی که در دوران حکومت شوروی در داخل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی گرجستان خودمختاری داشتند، در دهه ۱۹۹۰ به طور یک جانبه از گرجستان جدا شدند. در حالی که دولت گرجستان از سال ۲۰۱۶ آبخازیا را به عنوان خودمختار (دو فاکتور) در داخل گرجستان به رسمیت می شناسد و

<sup>1</sup>. Nikol Pashinyan

<sup>2</sup>. Armenian Genocide

<sup>3</sup>. South Ossetia

<sup>4</sup>. Abkhazia

<sup>5</sup>. Adjara

اوستیای جنوبی را به‌عنوان منطقه دارای وضعیت خاصی به رسمیت نمی‌شناسد (Bolashvili & partners, 2018: 138).

کشمکش‌های داخلی در گرجستان از بعد از برگزاری انتخابات پارلمانی در دسامبر ۲۰۲۴، این جمهوری را وارد یک بحران داخلی هرچند مقطعی کرد. بحرانی سیاسی، فراگیر و عمیق که به روشنی خطوط گسل و شکاف‌های سیاسی و اجتماعی این کشور به ویژه تقابل دو گفتمان و رویکرد در قبال سیاست خارجی گرجستان بین روس‌گرایان و غرب‌گرایان را به نمایش گذاشت.

روندی که دولت گرجستان در سال‌های اخیر به‌ویژه پس از بحران سیاسی چند ماه گذشته در فاصله‌گیری از غرب و نزدیکی به روسیه در پیش گرفته است، کاملاً برعکس روندی است که دولت ارمنستان پس از جنگ دوم قره‌باغ در پیش گرفته و نماد بارز آن، خروج تدریجی نیروهای مرزبانی روسی از ارمنستان و عدم شرکت ارمنستان در جلسات و برنامه‌های نظامی سازمان پیمان امنیت دسته جمعی به رهبری روسیه است.

#### جدول ۱: ویژگی‌های اساسی کشورهای قفقاز

(ارقام گرجستان بر اساس سرشماری سال ۲۰۱۴، بدون احتساب آبخازی‌ها و اوستیایی‌های ساکن آبخازیا و اوستیای جنوبی است.)

آذربایجان	ارمنستان	گرجستان	
باکو	ایروان	تفلیس	پایتخت
۸۶۶۰۰	۲۹.۷۴۳	۶۰.۷۰۰	مساحت (کیلومتر مربع)
۱۰.۰۰۹.۵۹۵	۲.۹۳۶.۵۲۶	۳.۹۰۴.۸۲۴	جمعیت
جمهوری نیمه ریاست جمهوری	نظام پارلمانی	دموکراسی نمایندگی نیمه ریاستی	سیستم حاکم
الهام علی‌اف (رئیس جمهور علی اسداف (نخست وزیر)	آرمن سرکیسیان (رئیس جمهور) نیکول پاشینیان (نخست وزیر)	میخائیل قاولاشویلی (رئیس جمهور) ایراکلی کوباخیدزه (نخست وزیر)	رهبری فعلی

آذربایجانی (۹۱٪)، لژی (۲٪)، ارمنی (۱.۳٪)، روسی (۱.۳٪)، تالیش (۱.۲٪)، آوار (۰.۵٪)، ترکی (۰.۴٪)، تاتاری (۰.۳٪)، تات (۰.۳٪)، اوکراین (۰.۲۵٪)	ارمنی (۹۸٪)، ایزدی، روسی	گرجی‌ها (۸۶.۶٪)، روسی (۰.۷٪)، یهودی، آذربایجانی (۶.۳٪)، ارمنی (۴.۵٪)، اوستیایی (۰.۴٪)، ایزدی، یونانی، اوکراینی، لاز	گروه‌های قومی*
۹۵٪ مسلمان (۸۵٪ شیعه و ۱۵٪ سنی)	کلیسای حواری ارمنی (۹۳٪)، اسلام سنی	مسیحیت ارتدوکس (۸۳.۴٪)، مسیحی ارمنی (۲.۹٪)، مسلمان (۱.۰۷٪)، کاتولیک رومی (۰.۸٪)	گروه‌های مذهبی
۵.۶٪	۵.۷٪	۱۰.۴٪	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (سه ماهه اول ۲۰۱۹)
۷۳.۱ سال (۷۰.۳ سال برای مردان، ۷۵.۷ سال برای زنان)	۷۴.۹ سال (۷۱.۶ سال برای مردان، ۷۸.۵ سال برای زنان)	۷۲.۶ سال (۶۸.۳ سال برای مردان، ۷۶.۸ سال برای زنان)	امید به زندگی

منبع: یافته‌های پژوهشگران

### نظم حاکم در قفقاز جنوبی پیش از جنگ دوم قره‌باغ

سال‌های منتهی به ۲۰۲۰ میلادی برای کشورهای قفقاز جنوبی با چالش‌های متعددی در سطوح مختلف همراه بود. کاربست راهبرد توازن قدرت از سوی کشورهای حوزه قفقاز جنوبی با تفاوت‌های عمده‌ای همراه بوده است، ولی آنچه که به عنوان برقراری موازنه میان سایر بازیگران ذی‌نفوذ در منطقه عنوان می‌شود از سوی هریک بطور کامل رعایت می‌شد.

آذربایجان در حال حاضر روابط دوستانه‌ای با همه کشورهای همسایه به‌جز ارمنستان دارد. این کشور تلاش می‌کند از یک سو توازن میان روسیه و غرب و از سوی دیگر میان امریکا و

جهان اسلام را حفظ کند تا موجب ناراحتی طرفی نشده و استقلال خود را تضمین کند. (حکیم؛ ۱۴۰۳: ۱۵۵) از نظر آذربایجان، سیاست خارجی متعادل بین شرق و غرب تنها راه برای باقی ماندن در منطقه بی‌ثبات برای آن کشور محسوب می‌شود (Ismailzade, 2013: 4). آذربایجان یک سیاست متوازن و منافع محور را پیگیری می‌کند که نیازهای بازیگران قدرتمند پیرامون و فراپیرامونی آن را برآورده می‌سازد (Chiragov, 2015: 29&35).

ارمنستان توانسته است به‌رغم گرایشی که نسبت به روسیه دارد، توازن در سیاست خارجی‌اش را به‌خوبی ایجاد کند. این کشور هم‌زمان با آمریکا در "ائتلاف علیه تروریسم"<sup>۱</sup> همکاری می‌کند و پیوندهای اقتصادی و سیاسی نزدیک خود را با روسیه حفظ کرده است و در عین حال روابط دوستانه‌ای را با ایران پایه‌گذاری کرده است. ارمنستان با به‌کارگیری اصل متممیت، بر آن است شرایطی ایجاد کند با منافع روسیه و غرب هم‌پوشانی داشته باشد نه اینکه در تناقض با آن قرار بگیرد (حکیم؛ ۱۴۰۳: ۱۵۴).

آمریکا، اروپا، روسیه، ایران، ترکیه، چین، هند و پاکستان اصلی‌ترین کشورهای خواستار حضور در منطقه بودند که تلاش خاصی را برای برقراری روابط با کشورهای تازه استقلال یافته به عمل آوردند. البته تمامی این تلاش‌ها به‌صورت یکنواختی اعمال نگردید و هر کشوری با در نظر گرفتن اولویت‌های استراتژیک، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود رابطه خود را با کشورهای منطقه تنظیم نمود و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نیز بنا به ملاحظات خاص و با توجه به شرایط و جایگاهشان در منطقه و بین همسایگان روابط خارجی خویش را تعریف نمود. نتیجه آن که کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز خواسته با ناخواسته در طیف‌بندی‌های استراتژیک منطقه‌ای و جهانی وارد گردیده و برآیند این طیف‌بندی‌های استراتژیک نوعی توازن نسبی را بین منافع کشورهای منطقه و بازیگران بین‌المللی ایجاد نمود (موسوی؛ ۱۳۸۲: ۱۴-۱).

حیدر علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان در دهه ۱۹۹۰ ایجاد طرحی برای امنیت و همکاری در قفقاز جنوبی با ساختار ۱+۳+۳ را پیشنهاد داد که شامل کشورهای قفقاز جنوبی، ایران، روسیه، ترکیه و ایالات متحده می‌شد. علی‌اف، به‌دنبال بهبود روابط بین دولتی در منطقه و ایفای نقش رهبری در تلاش‌های انجام شده برای حل اختلاف‌ها بود: "چنین طرحی باید اصول اولیه روابط بین دولتی را تثبیت و تعارض‌ها را حذف کند، چنین طرحی باید از حضور نظامی خارجی و خطوط تقسیم در منطقه و تجاوز و پاک‌سازی قومی جلوگیری کند. به

<sup>۱</sup>. Coalition against terrorism

تجزیه و تروریسم، اقدام براساس استناداردهای دوگانه و عمل از پیش تعیین شده پایان دهد. چنین طرحی باید به ایجاد صلح، ثبات و امنیت در منطقه، رونق اقتصادی و همکاری دولت‌های دموکراتیک مستقل و حاکم قفقاز جنوبی منجر شود" (Aliyev, 1999).  
 آذربایجان همچنین تلاش کرده است تا یک اقتصاد رقابتی بسازد. اجازه می‌دهد کشور در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مدیریت منابع خود مستقل باشد. کریدور بین اروپا و آسیا برای جریان آزاد تجارت، مردم، انرژی، منابع، فناوری و ارتباطات اطمینان از باز بودن دوجته آن به اروپا و آسیا عامل مهم دیگری در تدوین استراتژی سیاست خارجی آن است (Mammadov, 2015: 29-34).

از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی گرجستان، ایجاد همکاری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. برای نمونه، رئیس‌جمهور گرجستان، میخائیل ساکاشویلی<sup>۱</sup> در سخنرانی‌اش در مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۱۰ خواستار قفقاز واحد، مبتنی بر بازار مشترک، منافع مشترک و وابستگی متقابل اقتصادی و سیاسی شد. این ایده از مدل اروپایی و با هدف ارتقای نگرش واحد برای چالش‌های منطقه‌ای الگوبرداری شد. با وجود این؛ پیشنهادها در گرجستان در راستای همگرایی منطقه‌ای دستاورد کمی داشته است. گرجستان با برداشتن محدودیت‌های ویزا برای ساکنان قفقاز شمالی، برداشتن زبان اول روسی از کانال تلویزیونی قفقاز و شناسایی نسل‌کشی چرکس‌ها<sup>۲</sup> در قرن نوزدهم، خشم روسیه را برانگیخت و ثابت کرد در سطح دولتی به جای همگرایی، واگرایی زیادی وجود دارد، به نظر می‌رسد گرجستان زیر پوشش همگرایی منطقه‌ای به دنبال تقویت سیاست‌های منطقه‌ای خود بوده است و واقعیت‌های جغرافیایی موجود به معنای باقی‌ماندن ایده قفقاز واحد در حد یک آرمان به جای یک واقعیت است (German, 2012: 137-145).

جنگ اوت ۲۰۰۸ گرجستان و روسیه به شدت بر ژئوپلیتیک منطقه تأثیر گذاشت، زیرا کشورهای منطقه متوجه شدند روسیه از منافع احتمالی خود در منطقه و ناتوانی سایر بازیگران در جلوگیری از چنین نتیجه‌ای فاصله می‌گیرد. علاوه بر این، خروج ایالات متحده از منطقه، که منافع نظامی - امنیتی فزاینده‌ای را پس از حملات ۱۱ سپتامبر نشان داده بود، نیز نقش داشت. سرانجام ترکیه در اوایل دهه ۲۰۰۰ پس از تضمین ایجاد خط لوله باکو-

<sup>۱</sup>. Mikheil Saakashvili

<sup>۲</sup>. نسل‌کشی چرکس، پاک‌سازی قومی امپراتوری روسیه، کشتار، مهاجرت اجباری، و جابه‌جا کردن بیشتر چرکس‌ها از سرزمین خود چرکسیه بود که این سرزمین دربرگیرنده بخش بسیاری از قفقاز شمالی و ساحل شمال خاوری دریای سیاه می‌شد. جابه‌جایی چرکس‌ها پیش از پایان جنگ قفقاز در سال ۱۸۶۴ آغاز شد تا سال ۱۸۶۷ به پایان رسید.

تفلیس-جیهان<sup>۱</sup> و باکو-تفلیس-ارزروم<sup>۲</sup> سیاست خارجی خود را نسبت به خاورمیانه تغییر داد. این محاسبه که همکاری با روسیه بر سر مناطق مختلف جغرافیایی همسایه نتایج بهتری نسبت به رقابت با روسیه به همراه خواهد داشت در این نتیجه به همان اندازه مهم بود. به همین ترتیب، مشکلات داخلی اتحادیه اروپا و کاهش علاقه به منطقه پس از به اشتراک گذاشتن منابع انرژی منطقه، در افزایش نفوذ فدراسیون روسیه که روابط خود را با آذربایجان توسعه داده و تسلط خود را بر ارمنستان گسترش داده بود، مؤثر بود (Aydin, 2023).

در طول بیش از دو دهه گذشته از زمان استقلال، هدف اصلی سیاست خارجی و داخلی گرجستان، فرار از فضای تاریخی، جغرافیایی و تمدنی روسیه بود. از بعضی جهات، فرار از حیات خلوت روسیه به یک شعار ملی نشئت گرفته از یک روایت هویت‌گونه (مبتنی بر هویت)، تبدیل شد. در حالی که امضای توافق‌نامه همکاری با اتحادیه اروپا یک گام قابل توجه به سوی الحاق به "خانواده اروپایی ملل" است، این مورد هنوز از طرف طبقه سیاسی گرجستان به معنی بازگشت به اروپا نیست. در حالی که نسل‌های گرجی چندین دهه به امید و انتظار این روز بوده‌اند، با وجود این، می‌دانند که قراردادهای سیاسی و اقتصادی کلی منجر به تعهد عضویت در اتحادیه اروپا نمی‌شود و چالش‌های جدی مانند تلافی مسکو همچنان وجود دارد (Kapanadze, 2014).

ارمنستان قبل از سال ۲۰۱۸ یک سیاست خارجی چندقطبی داشت که اتکا به روسیه را با پیشروی به سمت غرب متوازن می‌کرد. ارمنستان تنها کشور عضو CSTO<sup>۳</sup> است که در قالب ناتو در افغانستان نیرو اعزام کرده است. ارمنستان برای بهبود فضای سرمایه‌گذاری خارجی خود، موافقت‌نامه‌ی مشارکت جامع اقتصادی (CEPA)<sup>۴</sup> را با اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۷ و توافق‌نامه چارچوب تجارت و سرمایه‌گذاری<sup>۵</sup> با ایالات متحده در سال ۲۰۱۵ امضا کرد. اصلاحات هوانوردی غیرنظامی ارمنستان و عضویت در بازار آزاد انرژی حاکی از تلاش این کشور برای ایجاد توازن بین وابستگی خود به روسیه و غرب است. ارمنستان و امریکا یک توافق‌نامه در مورد روابط تجاری و یک معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه<sup>۶</sup> داشته و به‌طور

<sup>۱</sup>. Baku-Tbilisi-Ceyhan (BTC)

<sup>۲</sup>. The South Caucasus Pipeline (also known as Baku-Tbilisi-Erzurum Pipeline, BTE pipeline, or Shah Deniz Pipeline) is a natural gas pipeline

<sup>۳</sup>. سازمان پیمان امنیت جمعی (CSTO: Collective Security Treaty Organization)

<sup>۴</sup>. Comprehensive Economic Partnership Agreements

<sup>۵</sup>. TIFA

<sup>۶</sup>. BAT

مکرر بر سر کارگروه مشترک اقتصادی ایالات متحده و ارمنستان<sup>۱</sup> برای بحث در مورد نگرانی‌های اقتصادی و دولتی متقابل تشکیل جلسه می‌دهند.

نفوذ بیش از حد روسیه در ساختارهای تصمیم‌گیری ارمنستان و همچنین تأثیر اختلافات مسکو با غرب بر منافع ایروان امری غیرقابل انکار است. سیاست خارجی ارمنستان امروز با چالش‌های درهم‌تنیده‌ای مواجه است. یکی به محیط ژئواستراتژیک و خطرات امنیتی ناشی از آن مربوط می‌شود. معضل این است که ارمنستان باید ضمن اصلاح وابستگی بیش از حد خود به روسیه و قرار دادن روابط با مسکو در شرایط برابر، امنیت خود را نیز تضمین کند. این کار به دلیل اختلاف بین روسیه و غرب و مبارزه ژئواستراتژیک در اوراسیا فضای مانور ارمنستان را کاهش داده و باعث شده است دنبال کردن یک سیاست خارجی چندجانبه برای این کشور دشوارتر باشد. این تحولات مستلزم یک تجدیدنظر جدی است (Shirinyan, 2019).

### ۳. عوامل مؤثر در شروع جنگ دوم قره‌باغ

روی‌گردانی روسیه از ارمنستان. بی‌تردید نه تنها دلیل اصلی شروع جنگ دوم قره‌باغ، بلکه نظم حاکم بر منطقه از بعد از جنگ دوم قره‌باغ را نیز باید متأثر از انقلاب ۲۰۱۸ ارمنستان و روی کار آمدن نیکول پاشینیان دانست. با تغییر هیئت حاکمه ارمنستان روند گرایش‌های سیاسی حاکمیت ارمنستان با تغییر تدریجی به غرب، به دنبال دوری از روسیه برآمد. از نظر روسیه، قفقاز و همه کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق هنوز به آن‌ها تعلق دارد. کشوری که برای جلب حمایت کشوری دیگر به غرب "رو کند" خائن محسوب می‌شود. کرم‌لین نمی‌خواهد در جایی که آن را حوزه نفوذ خود می‌پندارد، فضایی برای قدرت دیگری وجود داشته باشد. (جیمز جی، ۲۰۰۳: ۱۳۷) آغاز فرایند دوری از ساختارهای روسی در ارمنستان با بازداشت طیف قره‌باغی‌های وابسته به مسکو در هیئت حاکمه سابق ایروان (کوچاریان<sup>۲</sup> و گریگوریان<sup>۳</sup>)، بازداشت یوری خاچاطورف<sup>۴</sup>، رئیس سابق سازمان پیمان امنیت دسته جمعی و به دنبال آن قطع کامل ارتباط با لابی آرامنه ساکن در فرانسه و امریکا تشدید گردید.

1. USATF

2. Robert Kocharyan

3. Armen Grigoryan

4. Yuri Khatchaturov

به‌طور کلی می‌توان بیان داشت که رویکرد کلی روسیه نه تنها در قفقاز جنوبی، بلکه در کل کشورهای همسود، حفظ انحصارهایی است که از زمان اتحاد جماهیر شوروی برای این کشور باقی مانده است. روی‌گردانی ایروان از مسکو، موجبات تغییر موازنه قدرت به نفع باکو با تقویت حضور سایر بازیگران منطقه‌ای از جمله ترکیه و رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان و کناره‌گیری روسیه از نقش حمایتی خود از ارمنستان گردید. چرا که از نظر روسیه تا زمانی که توازن قدرت نظامی در یک طرف میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان و از طرف دیگر میان آبخازیا، اوستیای جنوبی و گرجستان وجود داشته باشد؛ هیچ تهدید عملیاتی نظامی میان آنها وجود ندارد؛ بنابراین روسیه تا زمانی که بر منطقه کنترل دارد از سرایت این بی‌ثباتی‌ها ترسی ندارد (Gogberashvili, 2010:38-40). در مجموع، روسیه به‌عنوان وارث اتحاد جماهیر شوروی، الزام‌های ژئواستراتژی خاص خود را دارا است و به‌ویژه در چارچوب گفتمان "اوراسیایی" و "خارج نزدیک" همواره منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را متغیر کلیدی در رویکرد امنیتی خود برآورد کرده و از ابتدای دهه ۹۰ میلادی با اطلاق منطقه قفقاز جنوبی به عنوان یکی از حوزه‌های خارج نزدیک، نگاه ویژه‌ای به این حوزه راهبردی داشته است. (کولایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۵)

**بهره‌برداری آذربایجان از فرصت.** جمهوری آذربایجان که سال‌ها مترصد فرصتی برای بازپس‌گیری مناطق اشغالی از ارامنه ساکن در این مناطق بود، ضمن نهایت استفاده از شرایط تشدید اختلافات هیئت حاکمه ارمنستان و روسیه به اجرای سیاست همه‌جانبه خود در طول ۴۴ روز عملیات بازپس‌گیری اقدام کرد. جمهوری آذربایجان همزمان با پیشبرد عملیات نظامی در میدان، عملیات روانی و رسانه‌ای و همچنین تلاش‌های گسترده دیپلماتیکی با تاکید بر اجرای سیاست متوازن منفعت‌گرا و زمینه‌سازی برای حضور اقتصادی در دوران پساجنگ پرداخت.

۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ آذربایجان یک فرصت مناسب برای آغاز جنگ جهت آزادسازی سرزمین‌های خود پیدا کرده بود. این امر چندین جنبه داشت؛ اول اینکه گزینه جنگ در چند دهه گذشته توسط آذربایجان به‌ویژه پس از شکست در هر دور مذاکرات صلح به‌طور مداوم اعلام شده بود؛ دوم اینکه ارتش آذربایجان در سال‌های اخیر به‌خوبی تجهیز شده بود و سوم هم این کشور به دلیل ناکارآمدی گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا باور خود به جامعه بین‌المللی را از دست داده بود. از طرف دیگر ترکیه شریک استراتژیک آذربایجان پس از حمله تووز تصمیم گرفت که به حمایت از آذربایجان با تمام منابع خود بپردازد. روسیه نیز از

حمایت ارمنستان که وفاداری اش پس از بیانیه‌های طرف‌داری از غرب زیر سؤال رفته بود عقب‌نشینی کرده بود. در نهایت به نظر می‌رسد که یک توافق ضمنی بین ترکیه و روسیه حاصل شده است که به موجب آن ترکیه به سمت ایفای نقش فعال‌تر به‌عنوان تغییردهنده بازی حرکت خواهد کرد و روسیه خواهد ایستاد؛ مگر اینکه تعرض به قلمرو ارمنستان گسترش یابد یا امنیت منطقه‌ای گسترده‌تر را تهدید کند (Ergun & Valiyev, ۲۰۲۰: ۲).

**نقش ترکیه.** عوامل مختلفی در پیروزی آذربایجان در جنگ دوم قره‌باغ نقش‌آفرینی کردند. یکی از این عوامل برتری ساز نقش هواپیماهای بدون سرنشین بود که از ترکیه و رژیم صهیونیستی تهیه شده بود و دیگری نقش مستشاری مقامات بلندپایه ارتش ترکیه در ارتش آذربایجان بود. البته یک عامل مهم اضافی دیگری نیز وجود داشت. بلافاصله پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ترکیه با شعار یک ملت و دو دولت اقدام به نفوذ همه‌جانبه در آذربایجان کرده بود که پیروزی اخیر آذربایجان مقابل ارمنستان را می‌توان محصول همین تلاش سی‌ساله عنوان کرد. برخلاف پهنادهای انتحاری ساخت اسرائیل در آذربایجان، پهنادهای ترکیه چندمنظوره هستند. همچنین به نظر می‌رسد که آنها از نظر فناوری برتر از برخی از سخت‌افزارهای نظامی روسی موجود ارمنستان هستند و تهدیدی جدی برای اتکای ارمنستان به سنگرها و ابزارهای دفاعی متعارف هستند (Keddie, 2020).

جنگ قره‌باغ برای ترکیه از سه جهت حائز اهمیت است: ۱. متمرکز نشدن دشمنی آرامنه بر ترکیه؛ ۲. تعمیق هرچه بیشتر نفوذ در جمهوری آذربایجان و؛ ۳. ورود به فعالیت‌های دیپلماتیک در قفقاز جنوبی. نگرش ویژه ترکیه به رابطه‌اش با جمهوری آذربایجان عامل دیگری است که آنکارا را از ایفای نقش بی‌طرفانه در جنگ قره‌باغ باز داشته است. مقامات ترکیه این نگاه ویژه را به صورت «یک ملت با دو دولت» بیان کرده‌اند. خطوط لوله نفت و گاز میان دو کشور، همکاری‌های گسترده باکو و آنکارا در زمینه‌های مختلف، از جمله اقتصادی و نظامی، همسایگی ترکیه با نخجوان<sup>۱</sup> و برنامه ارتباط ریلی باکو با نخجوان از طریق ادامه خط آهن باکو - تفلیس - قارص<sup>۲</sup> و بالاخره هم مرز بودن آنها با دشمن مشترک (ارمنستان) به عنوان عوامل سوق دهنده دو کشور به سمت روابط ویژه اشاره نمود. در این میان آنکارا همواره به جایگاه ژئوپلیتیک جمهوری آذربایجان در تنظیم رابطه با روسیه و ایران و نیز سکویی جهت ورود به قفقاز نیز توجه نموده است. مهم‌تر از همه اینکه در شرایطی که آنکارا از دستیابی نداشتن به اهداف خویش در سه جبهه لیبی، سوریه و

<sup>۱</sup>. Nakhchivan

<sup>۲</sup>. Baku-Tbilisi-Kars (BTK)

مدیرانه شرقی تحت فشار بوده و از تشدید مشکلات اقتصادی در اثر شیوع ویروس کرونا و نیز مشکلات سیاسی ناشی از کاهش آرای حزب عدالت و توسعه<sup>۱</sup> رنج می‌برد، جنگ قره‌باغ موجب تحت‌الشعاع قرار گرفتن این مشکلات شده و بسیج نیروهای مختلف سیاسی در ترکیه در حمایت از دولت اردوغان<sup>۲</sup> را به دنبال داشته است. همچنین برخی از تحلیل‌گران تمایل ترکیه به گشودن جبهه سوم با روسیه در قفقاز جنوبی جهت بهره‌گیری از آن در مدیریت اختلافات و رقابت‌ها با مسکو در سوریه و لیبی نیز اشاره کرده و منافع آنکارا در تشدید جنگ در قره‌باغ را از این جهت نیز مورد توجه قرار داده‌اند.

نقش ترکیه در جنگ قره‌باغ تا حدی برجسته است که پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان این جنگ را «حمله ترکیه به قفقاز جنوبی پس از ۱۰۰ سال برای ادامه نسل‌کشی ارمنه» خوانده است. پشتیبانی همه‌جانبه ترکیه از جمهوری آذربایجان در جنگ قره‌باغ، سرمایه‌گذاری تاریخی آنکارا در جهت توسعه هر چه بیشتر روابط با باکو و تعمیق نفوذ در آن کشور تلقی می‌شود که بدون دادن هزینه سنگین، سال‌ها از آن بهره خواهد برد (میانجی، ۱۳۹۹).

آنکارا نقش مهمی در تشویق باکو به جنگ تمام‌کننده با ارمنستان در ۲۰۲۰ داشت و در چارچوب راهبرد نوین نظامی، اقدام به همکاری گسترده با جمهوری آذربایجان کرد. در تلاقی عوامل متعددی که وجود داشت، ترکیه نقش مهمی را ایفا کرد و همان‌طور که می‌دانیم در ماه‌های قبل از جنگ، تجهیزات نظامی زیادی را به آذربایجان عرضه کرد، تخصص زیادی که آذربایجانی‌ها در این جنگ از آن استفاده کردند (Trenin, 2020).

**نقش رژیم صهیونیستی.** حمایت رژیم صهیونیستی در جنگ دوم قره‌باغ از باکو خاموش، اما تأثیرگذار بود. این رژیم نه تنها سیاست بی‌طرفی را اتخاذ نکرد، بلکه حمایت نظامی - فنی‌اش از آذربایجان و فروش پیچیده‌ترین پهپادها و موشک‌هایش به این کشور در پیروزی علی‌اف بسیار تعیین‌کننده بود. در جنگ دوم قره‌باغ، آذربایجان استفاده از تسلیحات رژیم صهیونیستی، ادغام پهپادهای ترکیه و رژیم صهیونیستی و نیز به‌کارگیری سودمند پهپادها برای اجرای مأموریت‌ها و ادغام آن‌ها با سایر تسلیحات در میدان را به‌صورت نوآورانه‌ای به نمایش گذاشت. این به‌کارگیری و ادغام به‌گونه‌ای موفق ظاهر شد و توجه کارشناسان جنگی و استراتژیست‌های نظامی را به‌عنوان یک مطالعه موردی مهم در جنگ‌های مدرن جلب کرد. گفته می‌شود بازتاب موفقیت تسلیحات ساخت رژیم

1. Adalet ve Kalkınma Partisi – AK PARTİ) (The Justice and Development Party

2. Recep Tayyip Erdoğan

صهیونیستی - و نیز ترکیه - در این جنگ، افزایش علاقه تجاری به صنایع این رژیم و نیز آنکارا را در پی داشته است (Shaffer, 2021).

رژیم صهیونیستی، بازیگر فعال قره‌باغ یکی از بازیگران اصلی و فعال در حوزه «تهیه آتش» منازعه قره‌باغ است که پیشاپیش و به‌خوبی این نقش را از طریق فروش‌های گسترده تسلیحاتی به آذربایجان، ایفا کرده؛ دولت آذربایجان یکی از مشتریان مهم تسلیحاتی رژیم صهیونیستی است. بخش مهم و عمده‌ای از سلاح‌هایی که در انبارهای آذربایجان ذخیره شده، سلاح‌هایی است که توسط رژیم صهیونیستی به این کشور فروخته شده است. رژیم صهیونیستی پس از روسیه دومین صادرکننده بزرگ اسلحه به آذربایجان است و تاکنون ده‌ها میلیارد دلار صادرات داشته است. به‌طور مثال ارزش سلاح‌ها و تجهیزات جنگی رژیم صهیونیستی تا اوایل سال ۲۰۱۹ به آذربایجان، بالغ بر ۵ میلیارد دلار بوده است. بزرگ‌ترین معامله تسلیحاتی<sup>۱</sup> که میان دو طرف صورت گرفته، حدود یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار شامل فروش سامانه‌های ماهواره‌ای و پهپادهای<sup>۲</sup> پیشرفته بوده است (خوشایند، ۱۳۹۹).

بین ۲۷ سپتامبر و ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰، صنایع دفاعی رژیم صهیونیستی روزهای بسیار شلوغی را سپری می‌کرد. در طول این درگیری در قفقاز جنوبی، ارتش آذربایجان از فناوری و تسلیحات رژیم صهیونیستی به‌طور گسترده علیه ارمنستان استفاده کرد. با اینکه رئیس‌جمهور رژیم صهیونیستی روون ریولین<sup>۳</sup> خاطرنشان کرد که «رژیم صهیونیستی روابط دیرینه با آذربایجان دارد. با این حال، هدف همکاری دو کشور علیه هیچ طرفی نیست.» ولی شواهد مستند زیادی در خبرگزاری‌های مختلف خلاف این را نشان می‌دهد، بطوریکه اتحاد باکو با رژیم صهیونیستی و ترکیه ارتش این کشور را در موقعیتی پیروز نسبت به ارتش ایروان قرار داد. مؤسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم<sup>۴</sup> گزارش داد که رژیم صهیونیستی ۶۰ درصد از کل تسلیحات وارداتی بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ آذربایجان را تامین کرده است (AHARON, 2023).

جنگ دوم قره‌باغ تغییر چشمگیری در موازنه قدرت در قفقاز جنوبی داشت. در حالی که آذربایجان اکنون به‌وضوح بر صحنه سیاسی و نظامی منطقه تسلط دارد، قدرت و نفوذ ارمنستان به شدت تضعیف شده است. اگر دو کشور متخاصم<sup>۵</sup> یک معاهده صلح امضا کنند و

<sup>۱</sup>. Arms deal

<sup>۲</sup>. Drone

<sup>۳</sup>. رووین ریولین جانشین شیمون پرز در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۱ رئیس‌جمهور رژیم صهیونیستی بود.

<sup>۴</sup>. Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI)

<sup>۵</sup>. Hostile

راه همکاری را آغاز کنند، گرجستان آماده است که در حاشیه قرار گیرد. در میان قدرت‌های خارجی، روسیه و ترکیه هر دو نفوذ خود را افزایش داده‌اند. روسیه اکنون ۳۰ سال پس از خروج اولیه، سربازان خود را به‌عنوان حافظ صلح در خاک آذربایجان قرار داده است. ترکیه برای اولین بار پس از جنگ جهانی اول، در یک بازگشت سیاسی قوی و افزایش حضور نظامی در آذربایجان موفق شده است و آماده است تا از هرگونه گشایش منطقه‌ای و ابتکارات همکاری بیشتر بهره‌مند شود. غرب عموماً از فقدان استراتژی، نبود انگیزه و غیبت عمومی رنج می‌برد. در نتیجه، تأثیرات کشورها (یعنی ایالات متحده، اتحادیه اروپا، فرانسه) و نهادها (یعنی سازمان امنیت و همکاری اروپا<sup>۱</sup> و گروه مینسک آن) به طور قابل توجهی ضعیف شد (Aydin, 2023).

نظم حاکم بر قفقاز جنوبی در اواخر سال ۲۰۲۰ با جنگ دوم قره‌باغ به شکل عمده‌ای تغییر کرد. آذربایجان با حمایت غیرمستقیم ترکیه بر نیروهای ارمنی در قره‌باغ غلبه کرد و بیشتر مناطق مورد مناقشه را پس گرفت. ارمنستان متحمل یک شکست استراتژیک شده و موجب بروز تنش‌های اساسی در سراسر قفقاز جنوبی شد. روسیه ضامن آتش بس بود که بر اساس آن نیروهای نظامی این کشور قرار است تا سال ۲۰۲۵ در قره‌باغ باقی بمانند. در عمل، این درگیری به تعادل متزلزلی که از سال ۱۹۹۴ (پایان جنگ اول قره‌باغ<sup>۲</sup>) ادامه داشت، پایان داد و آذربایجان و ترکیه حامی آن از جنگ ۲۰۲۰ به طور قابل توجهی تقویت شده‌اند (Strachota, 2023).

تسلیم اخیر قره‌باغ کوهستانی در برابر تهاجم نظامی آذربایجان، رویکرد راهبردی مجدد روسیه را در منطقه آشکار کرده است. این تغییر بر ایجاد یک اتحاد مستحکم با باکو و آنکارا متمرکز است، اقدامی که برای تقویت کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال - جنوب<sup>۳</sup> طراحی شده است. علاوه بر این، مسکو قصد دارد از زمین ترکیه به‌عنوان یک مرکز بالقوه برای رویکرد جدید انرژی خود، به‌ویژه در حوزه توزیع گاز طبیعی استفاده کند.

عملیات نظامی اخیر در قره‌باغ کوهستانی مانور دیپلماتیک قابل توجهی از سوی آذربایجان را آشکار کرده است. قبل از شروع عملیات، مقامات آذربایجان به مسکو و آنکارا اطلاع دادند. این اقدام حساب شده تصمیم استراتژیک روسیه را برای خودداری از مداخله مستقیم و در عوض پذیرش تسلیم قره‌باغ کوهستانی را آشکار کرد (Bifolchi, 2023).

<sup>۱</sup>. Organization for Security and Co-operation in Europe (OSCE)

<sup>۲</sup>. جنگی بود که از فوریه ۱۹۸۸ تا مارس ۱۹۹۴ در منطقه قره‌باغ، واقع در جنوب غربی جمهوری آذربایجان، بین جمهوری آذربایجان و اکثریت ارمنی ساکن با پشتیبانی ارمنستان رخ داد.

<sup>۳</sup>. International North South Transport Corridor (INSTC)

یکی از آثار جنگ اوکراین در منطقه قفقاز جنوبی، تغییر رویکرد روسیه به این منطقه است. تأثیر جنگ اوکراین بر تحولات قفقاز امری اجتناب‌ناپذیر است. به‌طوری که مسیر تحولات و معادلات در این منطقه به طور ویژه از تداوم و سطح تخصم روسیه و اوکراین و روند حمایتی غرب از اوکراین می‌گذرد.

در سایه جنگ روسیه علیه اوکراین، وضعیت ژئوپلیتیکی در منطقه قفقاز جنوبی در حال تغییر است. آذربایجان بیشتر این تغییرات را هدایت می‌کند. درحالی که باکو در واقع به مناقشه بر قره‌باغ پایان داده است - که منجر به آواره شدن آرامنه قره‌باغ در منطقه می‌شود - موانع زیادی برای صلح با ارمنستان وجود دارد. آذربایجان با بسیاری از متغیرهای پیچیده و درهم‌تنیده مواجه است که هم اهداف و گزینه‌های آن را فعال و هم محدود می‌کند. این موارد عبارت‌اند از: استفاده از قدرت فعلی خود برای اجرای اهداف خود در روابط با ارمنستان، استفاده از قدرت فزاینده منطقه‌ای خود در روابط خود با روسیه و ایران، سرمایه‌گذاری و مدیریت روابط با هر دو متحد خود؛ ترکیه و رژیم صهیونیستی به طور هم‌زمان، علی‌رغم افزایش تنش بین آنها در خاورمیانه؛ حفظ ارتباطات اقتصادی حیاتی با اتحادیه اروپا و درعین حال مدیریت روابط دشوار سیاسی؛ و تثبیت نقش در حال ظهور خود به‌عنوان اتصالات منطقه‌ای و قطب انرژی<sup>۱</sup> است (Essen, 2023).

تردیدی نیست که سیاست کاهش تعارضات در منطقه از عمده اهداف پیش‌روی ارمنستان در دنیای بعد از قره‌باغ خواهد بود. ارمنستان سعی دارد از فضای ایجاد شده کشورهای پیرامونی خود که به دریا دسترسی دارند برای گسترش مبادلات منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده نماید و حتی در این راه برخی از طیف‌های سیاسی این کشور علاقمند به همکاری با اروپا و ایالات متحده هستند. همچنین با توجه به آمارهای جدید افزایش حجم ذخایر انرژی نفت و گاز طبیعی دریای خزر و ترانزیت آن به سمت کشورهای اروپایی، جمهوری آذربایجان نیازمند ثبات و امنیت در منطقه خواهد بود و ادامه کشمکش‌ها و بحران‌سازی، ساختارهای اقتصادی این کشور را بخصوص در بخش صادرات انرژی با بحران ناامنی مواجه می‌سازد. این واقعیت می‌تواند سیاست خارجی ارمنستان را هم از جهت امتیازگیری و یا همکاری متقابل تحت تأثیر قرار دهد. البته نفوذ ترکیه و روسیه در منطقه به‌عنوان مشارکت استراتژیک می‌تواند تحولات اساسی را برای سیاست خارجی ارمنستان رقم بزند؛ ولی آنچه که مشخص است ارمنستان به دلیل شرایط خاص سرزمینی‌اش تا مدت‌های

<sup>۱</sup>. Energy pole

نسبتاً طولانی تمایل دارد سیاست خارجی خود را بر اساس علایق ژئوپلیتیکی - ژئواکونومیکی روسیه برنامه‌ریزی نماید (Zolyan, 2023).

تفلیس نیز با تجدید نظر در برخی سیاست‌های خود، از ۱۰ می ۲۰۲۳ موفق به لغو سفر شهروندان روسی به گرجستان از سوی مسکو شده و ممنوعیت پروازهای خطوط هوایی روسیه به گرجستان از ۱۵ می ۲۰۲۳ و تنها دو هفته قبل از انتخابات مهم پارلمانی در گرجستان لغو شد.

لذا، پایه‌های اقتصادی و تجاری روسیه و گرجستان بسیار مستحکم است و احتمال آن می‌رود که بعد از رویکرد فعلی رهبران سیاسی آن، معضل مناطق آبخازیا و اوستیای جنوبی، به سمت عادی‌سازی روابط حرکت خواهد کرد. اما از سویی دیگر، انتظار می‌رود با توجه به تصمیم دولت گرجستان برای تعلیق مذاکرات عضویت در اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۲۸ میلادی و نیز تحریم‌هایی که از سوی اتحادیه اروپا و نیز ایالات متحده آمریکا پس از تصویب قوانین «عوامل خارجی» و «ارزش‌های خانوادگی و حمایت از خردسالان» و به‌ویژه اعتراضات به نتایج انتخابات پارلمانی اخیر وضع شده است، گرجستان بیشتر از گذشته از غرب فاصله بگیرد.

### نتیجه‌گیری

پژوهش پیش رو با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی در پاسخ به سؤال نوشتار، تأثیر جنگ دوم قره‌باغ بر ساختار قدرت در منطقه قفقاز جنوبی را افزایش رقابت بر اساس عوامل اقتصادی و ترانزیتی عنوان کرده و اذعان می‌دارد که حضور انبوه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌منظور بهره‌مندی از عواید این رقابت ژئوپلیتیکی به وجود آمده از بعد از جنگ دوم قره‌باغ با فعال کردن نقش قدرت‌هایی همچون ایران، ترکیه، فرانسه، روسیه، رژیم صهیونیستی، امریکا، چین، هند و پاکستان و... و تسلط بر منطقه اوراسیا است.

شرایط موجود حاکی از بروز نوعی جنگ سرد میان غرب و روسیه در منطقه قفقاز جنوبی است که این جنگ معلول تغییر پارادایمی سیاست خارجی روسیه از گسترش نفوذ سخت<sup>۱</sup> به نفوذ نرم<sup>۲</sup> در این منطقه است که این تغییر پارادایمی نیز محصول جنگ اوکراین است. تداوم گسترش نفوذ نرم روسیه در منطقه قفقاز جنوبی و هم‌زمانی آن با جنگ اوکراین، با افزایش کنشگری مسکو در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، انرژی و توسعه زیرساخت‌های ترانزیتی با تأکید بر استفاده از دالان‌های بین‌المللی شمال - جنوب،

<sup>۱</sup>. Hard penetration

<sup>۲</sup>. Soft penetration

دالان میانی و دالان جعلی زنگه‌زور خواهد بود. چالش‌های عمیقی وجود دارد به همین دلیل این منطقه برای تضمین برقراری صلح و ثبات در درازمدت و دستیابی به یک جهت‌گیری غرب‌گرایانه نیازمند فشار آشکار غرب است. اما تا زمانی که جنگ در اوکراین ادامه داشته باشد، چنین وضعیتی بعید به نظر می‌رسد. در حال حاضر قفقاز جنوبی برای غرب ضروری است، اما در اولویت نیست. این امر باعث می‌شود که ایالات متحده و اتحادیه اروپا در همکاری با دیگر بازیگران کلیدی - پیش از همه ترکیه - انعطاف‌پذیری و هماهنگی بیشتری را در مورد سیاست‌هایشان در قبال منطقه به نمایش بگذارند و بدین ترتیب ترکیه واسطه و مجری سیاست‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا در قفقاز جنوبی نقش‌آفرینی می‌کند.

رقابت روسیه و غرب بر انعقاد قرارداد صلح آذربایجان و ارمنستان بر اساس ساختارهای روسی یا غربی از دیگر چالش‌های عمده در این منطقه است که فرایند توافق را طولانی کرده است. اگرچه در نهایت نسخه اعلامی از سوی کرم‌لین در منطقه اجرا می‌شود؛ ولی همچنان تلاش برای حفظ توازن قدرت میان ساختارهای غربی و روسی نیز از سوی هریک از واحدهای سیاسی مستقل حاضر در منطقه اجرا می‌شود.

قفقاز جنوبی بعد از جنگ دوم قره‌باغ به کانون مهمی برای فعالیت بازیگران مختلفی تبدیل شده است که هریک به‌نوعی این منطقه را به عرصه‌ای برای رقابت خود با ماهیت بهره‌مندی از عواید اقتصادی و دالان‌های موجود تبدیل کرده‌اند: ۱. حمایت پاکستان از آذربایجان و هم‌زمانی حضور هند در ارمنستان؛ تلاش فرانسه برای جبران شکست و اخراج مفتضحانه خود از روسیه در افریقا با حمایت از ارمنستان در برابر حمایت روسیه از آذربایجان؛ ۲. تلاش نرم مسکو برای تحریک جنبش‌های مدنی با استفاده از ابزار کلیسا در ارمنستان در برابر تقویت ساختارهای دولتی پاشینیان از سوی آمریکا؛ توسعه تدریجی و نرم روسیه در ساختار پارلمانی گرجستان و تصویب لوایح روسی در برابر حمایت اتحادیه اروپا از روند دموکراسی در گرجستان؛ ۳. تلاش مسکو بر اجرای ترتیبات امنیتی خود در راستای بازگشایی دالان جعلی زنگه‌زور در برابر تأکید ترکیه (ناتو) بر بازگشایی این دالان بر اساس مفاهیم رؤیای ایجاد ترکستان بزرگ و؛ ۵. گسترش تجارت روسیه با هریک از واحدهای مستقل سیاسی<sup>۱</sup> قفقاز جنوبی از بعد از اعمال تحریم‌های غرب به روسیه در خلال جنگ اوکراین

نهایت اینکه نظم نوین در قفقاز جنوبی با تضعیف هژمونی روسیه در این منطقه همراه بوده است. به نظر می‌رسد نقش مسکو به‌عنوان هژمون منطقه‌ای در قفقاز جنوبی با آغاز

<sup>۱</sup>. Independent political units

جنگ روسیه و اوکراین به ایستگاه پایانی خود رسیده و منطقه با نوعی بی‌ثباتی ناشی از تضادهای قدیمی و پویایی قدرت همراه با نقش‌پذیری بازیگران متعدد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مواجه است. در این میان جمهوری آذربایجان به شکل‌دهنده اصلی نظم امنیتی منطقه تبدیل شده است و قدرت‌های دیگر از جمله ترکیه، ایران، فرانسه، هند، پاکستان، رژیم صهیونیستی، انگلیس، چین و اتحادیه اروپا در حال رقابت در زمینه‌های مختلف هستند؛ اما هیچ‌یک نمی‌توانند نظم پایدار را تضمین کنند. این بی‌نظمی ناشی از تعامل گرابی، سرعت تحولات، تغییر نقش‌پذیری بازیگران فعال است. این در حالی است که همکاری‌های درون منطقه‌ای به غلبه بر خصومت‌ها توسط ارمنستان و آذربایجان و ثبات سیاسی در گرجستان بستگی دارد. بدین ترتیب می‌توان نظم پیش رو را با تمرکز بر تنوع سیاست خارجی ارمنستان، چشم‌انداز مذاکرات ارمنستان و آذربایجان، آینده احتمالی سیاست داخلی و خارجی گرجستان و تلاش آذربایجان برای یک رویکرد جدید سیاست خارجی پس از تسلط نظامی بر قره‌باغ و رقابت بر سر توسعه‌ی کریدورهای بین‌المللی ارزیابی کرد.

## منابع و مأخذ

### فارسی

- ابوالحسنی، علی محمد (۱۳۹۳)، موازنه قدرت، بازیابی‌شده در آذر ۱۳۹۷، از [http://pajoohe.ir/%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B2%D9%86%D9%87-%DB%8C-%D9%82%D8%AF%D8%B1%D8%AA-Balance-of-Power\\_\\_a-42698.aspx](http://pajoohe.ir/%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B2%D9%86%D9%87-%DB%8C-%D9%82%D8%AF%D8%B1%D8%AA-Balance-of-Power__a-42698.aspx)
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۶۷)، نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، تهران: نشر سفیر.
- کویل، جیمز جی (۱۴۰۳)، مداخلات روسیه در مناقشات قومی؛ مورد ارمنستان و آذربایجان، ترجمه: قاسم اصولی ادولو و مرضیه رودگر صفاری، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران
- حسینی کیوان، سید اصغر و دانش‌سور، فاطمه (۱۳۹۲)، از نظریه موازنه قدرت تا نظریه توازن طلبی نرم، فصلنامه دیپلماسی دفاعی، سال ۳، شماره ۶، صفحات ۱۱-۳۶.
- حکیم، حمید (۱۴۰۳)، تاریخ سیاسی و روابط بین‌الملل در قفقاز، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران
- خوشایند، حمید (۱۳۹۹)، انگیزه منفعت‌طلبانه تل‌آویو در گسترش روابط با باکو: رژیم صهیونیستی در کجای قره‌باغ ایستاده است؟ بازیابی‌شده از <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1996402/%D%A%YD%AB%3D%AB%1D%A%YD%A%6DB%8C%D8%4%9-%D%A%AF%D%AB%1>



- Aydin, Mustafa & Ergun, Ayça & Giragosian, Richard & Kakachia, Kornely & Strand, Arne (2023), **Changing geopolitics of the South Caucasus after the Second Karabakh War: Prospect for regional cooperation and/or rivalry**. Retrieved from: <https://www.cmi.no/publications/8911-changing-geopolitics-of-the-south-caucasus-after-the-second-karabakh-war> [accessed 27 November 2023]
- Bifolchi, Giuliano (2023), **Nagorno-Karabakh Crisis and Russia's Strategy in the Region**. Retrieved from: <https://www.specialeurasia.com/2023/09/21/russia-caucasus-strategy/> [accessed 15 November 2023]
- Bolashvili, Nana & Dittmann, Andreas & King, Lorenz & Neidze, Vazha (2018), **National Atlas of Georgia**. Franz Steiner Verlag Publisher, Germany
- Darbyshire, Eoghan & Weir, Doug (2023), Environmental dimensions during and after the Nagorno-Karabakh conflict of 2020. **PubMed**. Retrieved from: <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/35999661/> [accessed 30 November 2023]
- Essen, Hugo von (2023), **Azerbaijan's uncertain geopolitical rise in a South Caucasus maelstrom**. Retrieved from: <https://sceus.se/en/publications/azerbaijans-uncertain-geopolitical-rise-in-a-south-caucasus-maelstrom/> [accessed 25 November 2023]
- Paul, T. V. (2005), Soft balancing in the age of U.S. primacy, **International Security**, 30(30), 46–71.
- Gogberashvili, Salome (2010), **Why does the South Caucasus matter for the EU and Russia**, Institute of European Studies at Tbilisi State University
- Kapanadze, Sergi (2014), **Georgia's vulnerability to Russian pressure points**. Retrieved from: [https://www.ecfr.eu/wp-content/uploads/ECFR106\\_GEORGIA\\_MEMO\\_AW.pdf](https://www.ecfr.eu/wp-content/uploads/ECFR106_GEORGIA_MEMO_AW.pdf) [accessed 16 November 2023]
- Paul, Amanda & Sammut, Dennis & Shiriyev, Zaur (2015), **The South Caucasus – Between integration and fragmentation: Azerbaijan's foreign policy – A new paradigm of careful pragmatism**. European Policy Center, European Policy Center, Brussels, Belgium
- Poghosyan, Benyamin (2018), **Geopolitical future of the South Caucasus**. Retrieved from: <https://othjournal.com/2018/02/07/geopolitical-future-of-the-south-caucasus/> [accessed 21 November 2023]
- Chiragov, Fuad & others. (2015), **The South Caucasus between integration and fragmentation**. *Strateji Araşdırmalar Mərkəzi*, strateji araşdırmalar mərkəzi, may 201
- Ismailzade, Fariz (2006), **Turkey–Azerbaijan: The honeymoon is over, Winter 2005**, *Transatlantic Policy Quarterly*
- Shaffer, Brenda (2021), **Israel's role in the Second Armenia-Azerbaijan War**. Retrieved from: [https://www.fdd.org/wp-content/uploads/2021/12/The-Karabakh-Gambit\\_IsraelRole-1.pdf](https://www.fdd.org/wp-content/uploads/2021/12/The-Karabakh-Gambit_IsraelRole-1.pdf) [accessed 11 November 2023]
- Shirinyan, Aanahit (2019), **Armenia's foreign policy balancing in an age of uncertainty**. **Chatham House**. Retrieved from: <https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/2019-03-14-Armenia3.pdf> [accessed 12 November 2023]
- Strachota, Krzysztof (2023), **Mastering the growing crisis in the South Caucasus: A role for the West and Turkey**. Retrieved from:

<https://www.mei.edu/publications/mastering-growing-crisis-south-caucasus-role-west-and-turkey> [accessed 30 November 2023]

Zolyan, Mikayel (2023), **Defeated Armenia looks to a new, post-Russia foreign policy**. Carnegie Endowment. Retrieved from:

<https://carnegieendowment.org/russia-eurasia/politika/2023/11/defeated-armenia-looks-to-a-new-post-russia-foreign-policy?lang=en> [accessed 29 november 2023]